

ما میگیریم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه!

مهران محبی، صفحه ۶



۲۲ مرداد: تجمعات گسترده بازنشستگان تامین اجتماعی و چند حرکت اعتراضی دیگر

نابود باد بندگی، زنده باد زندگی!، صفحه ۷

آنچه پشت دیوارهای یک کارخانه می‌گذرد؛ گزارشی که حذف شد!

یاشار سهندی، صفحه ۴

تجمع اعتراضی هزاران نفره مردم پاوه علیه قتل یک کولبر

مهران محبی، صفحه ۲

تجمعات سراسری بازنشستگان مخبرات و اعتصاب کارگران اورهال پالایشگاه آبادان

صفحه ۸

### مدیای اجتماعی

ادامه فشارهای امنیتی بر معلمان و کارزار یک صد هزار امضا

۲۸ هزار معلم به کارزار یکصد هزار امضا پیوستند

پرونده سازی برای ۳۲ نفر از کارگران و مردم معترض آقده را محکوم میکنیم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۹

تجمع اعتراض آمیز کارگران اورهالی پالایشگاه نفت آبادان مقابل فرمانداری

تلفات هرروزه کارگران ارکان ثالث و اورهالی در هوای گرم و کشنده و سکوت و بی تفاوتی مسئولین.

ظلم و تبعیض پایانی ندارد!

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، صفحه ۱۰

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۲

۲۳ مرداد ۱۴۰۲

۱۴ اوت ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

سالروز "خطرناک ترین"  
انقلاب

کاظم نیکخواه، صفحه ۳

شاغل و بازنشسته، اتحاد  
اتحاد

شهلا دانشفر، صفحه ۳

به حزب  
کمونیست کارگری  
پیوندید!



تلگرام: @wpi\_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

## تجمع اعتراضی هزاران نفره مردم پاوه علیه قتل یک کولبر



بهبان جلودگویی از قاچاق و حمایت از کالای داخلی به گلوله می بندد و کوله بارهائی را که در ازای صد الی دویست هزار تومان حمل می کنند، به غارت می برند. در شهرها نیز چماق به دستان مزدورشان بی بضاعت را لت و پار می کنند و بساط اندکشان را غارت می کنند.

این جانینان و قاتلین مردم خود از اعضاء و سردسته های سازمان یافته ترین شبکه های قاچاق کالاهاى عمومی و سوخت و مواد مخدر و غیره در سطح داخلی و بین المللی هستند. سلطان های شکر، لاستیک و ماشین و غیره که از اسکله ها و مسیرهای قانونی و غیر قانونی تحت اسکورت مزدورانشان کالاها و مواد مخدر را وارد و خارج می کنند، همه از آیت الله ها و سران و سرداران حکومت هستند. سرداران نظامی بخصوص سرداران سپاه قاچاق کنندگان کاروانهای طویل تانکرهای سوخت به پاکستان هستند.

همه مردم به خوبی می دانند که هدف حکومت از قتل کولبران و سوختبران و ضرب و شتم هر روزه دستفروشان، مبارزه با قاچاق و به اصطلاح حمایت از کالای داخلی و گردش چرخ تولید برای ایجاد کار برای بیکاران نیست. بلکه هدف کشتن کسانی است که از فقر و گرسنگی و از درد نداری تن به چنین خطراتی می دهند یا ناچار به تحمل تحقیر و منزلت انسانی خود می شوند تا شاید بتوانند چهره ریاکار و ناتوان خود را در قبال تأمین حداقلهای زندگی بخشهای وسیعی از مردم را در انظار بین المللی بیوشانند. ضمن اینکه این راهزنان و غارتگران حتی از دزدیدن و غارت جزئی ترین و کمترین اموال این انسانهای دردمند و بی درآمد هم دریغ نمی کنند.

باید به خاطر دفاع از حق حیات و معیشت متناسب با استانداردهای مدرن و دفاع از شأن و منزلت انسانی خود متحدانه و وسیعا به میدان بیاییم و خواهان کار مناسب با حقوقی که تأمین کننده هزینه زندگی در سطح رفاه امروزی یا بیمه بیکاری متناسب باشیم.

با دریافت خبر هر قتل و جنایت حکومتی علیه کولبران و سوختبران مانند مردم پاوه که به خاطر قتل آسو کریمی وسیعا مقابل غسالخانه تجمع و اعتراض برآه انداختند، تجمع کنیم و با اعتراض گسترده خود حکومت را به عقب نشینی وادار نماییم. ضرورت دارد که خانواده های کولبران و سوختبران به قتل رسیده توسط حکومت با هم اقدام به تشکیل کمیته، جمع یا انجمن دادخواهی کنند و با پیوستن به جمعهای خانواده های دادخواه جانباختگان انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و همه جانباختگان از سال 57 تا امروز اعم از افراد سیاسی و مخالفان حکومت و انسانهایی که به خاطر نداری و فقر مرتکب قتل شده یا ناچار به توزیع مواد مخدر شده اند، جبهه دادخواهی را هر چه بیشتر تقویت کنند. مراسم های خاکسپاری و یادبود کولبران و سوختبران را همانند مراسم های جانباختگان انقلاب به صحنه های اعتراضات وسیع علیه حکومت قتل، کشتار، جنایت و دزدی و راهزنی تبدیل کنیم. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.\*

### مهران محبی

جنایتکارانه به قتل رسانده است، می دزدد.

اقدام شجاعانه و متحدانه مردم پاوه در دفاع از حق حیات و تلاش برای زنده ماندن علیه حکومت دزدان، آدمکشان و بربرها باید برای همه مردم مناطق مرزی کردستان و سیستان و بلوچستان و همچنین برای همه مردم در همه شهرها که هر روز در آنجا دستفروشان مورد یورش، ضرب و شتم و چپاول قرار می گیرند، الگو قرار گیرد و هر اقدام ضد انسانی و متوحشانه مزدوران حکومتی علیه هست و نیست و زندگی مردم را با اعتراضات وسیع و قدرتمند پاسخ دهند تا دیگر به راحتی جرأت تعدی و تعرض به مردم نداشته باشند.

جمهوری اسلامی حکومت قتل و کشتار، و حکومت توحش و بربریت است. این صفات برای جمهوری اسلامی استعاره نیستند، خود واقعیت ماهیتی حکومت هستند. حکومتی است که بدون توحش و بدون به قتل رساندن انسان نفس نمی کشد و زنده نمی ماند. این حکومت هر روز از حیات ننگینش را با قتل و خونریزی سپری کرده است. فقط مخالفان و مردم معترض کف خیابان را به گلوله نمی بندد و بازداشت شدگان را زیر شکنجه نمی کشد و فقط زندانیان را اعدام نمی کند. تفنگچی های راهزنش هر روز در مرزها انسانهایی که تحت حاکمیت ضد انسانیش بیکار و بی درآمد و فاقد هر گونه بیمه بیکاری و اجتماعی هستند و برای امرار معاش هزاران خطر و ناامنی و صعب العبور بودن مسیر را به جان می خورند هم یعنی کولبران و سوختبران را به

تجمع اعتراضی هزاران نفره مردم پاوه علیه قتل یک کولبر جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت شامگاه ۱۵ مرداد گروهی از کولبران در مرز نوسود از توابع شهرستان پاوه استان کرمانشاه مورد حمله مزدوران مرزبانی جمهوری اسلامی قرار گرفته و در نتیجه این حمله دهمشانه ۸ کولبر به شدت زخمی و یک کولبر به نام آسو کریمی ۳۹ ساله به شدت زخمی می شود که به دلیل شدت جراحت و خونریزی شدید در یکی از باغات روستای شوشمی جان خود را از دست می دهد.

با انتقال جسد آسو کریمی به غسالخانه شهر پاوه حدود ۳ هزار نفر از مردم داغدار و خشمگین پاوه برای تشییع جنازه مقابل غسالخانه تجمع می کنند. راهزنان و جسد ربایان جمهوری اسلامی که از تجمع مردم خشمگین مردم پاوه به وحشت می افتند، طبق معمول برای جلودگویی از تبدیل شدن تجمع به یک اعتراض ضد حکومتی وسیع و سرایت کننده به دیگر نقاط، اقدام به ربایش پیکر بی جان آسو کریمی می کنند.

تجمع مردم پاوه در اعتراض به قتل آسو کریمی و زخمی شدن ۸ کولبر دیگر به دست مزدوران حکومت قتل و کشتار و جنایت، پاسخی شایسته به این جانینان بود که خود می دانند چقدر مورد تنفر و انزجار توده ای هستند. این حکومت پرده رذالت و توحش و در عین حال زبونی را تا آن حد دریده است که اجساد انسانهایی که خود آنها را



۲۲ مرداد: تجمع بیش از ۴۰۰ کارگر واحد تعمیرات پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، و شرایط کار طاقت فرسا مقابل درب اصلی پالایشگاه



## شاغل و بازنشسته، اتحاد اتحاد - شهلا دانشفر

در این هفته نیز ما شاهد سه روز پرشور اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات، کشوری و در کنار آنها فولاد بودیم. طی این سه روز بازنشستگان با شعارهای کوبنده خود خیابانهای بیست شهر را به صحنه اعتراضات تبدیل کردند. این اعتراضات نقش مستقیمی در فعال نگاهداشتن فضای سیاسی شهرها دارد و در شرایطی که جامعه در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است، به تحرک مبارزاتی مردمی شدت داده و جایگاه سیاسی مهمی دارند.

“شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد”، “کشوری، لشکری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد” دو شعار کلیدی در اعتراضات بازنشستگان است. اتکای این شعارها بر زمینه های واقعی اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته و جمعیت میلیونی کارگران شاغل و بازنشسته و اعتراض علیه فقر و بی تاملی و شرایط برده وار کاری و معیشتی است. و متحقق کردن اتحاد مبارزاتی میلیونی همه کارگران شاغل و بازنشسته و بخشهای مختلف بازنشستگان پاسخ محکمی به تعرضات معیشتی هر روزه حکومت به جامعه و نیز سرکوبگریهایش است.

این اتحاد یعنی ایجاد صف متحدی از اعتراض علیه مصوبه جنایتکارانه شورای عالی کار، علیه برنامه هفتم توسعه دولت، و نیز اتحادی علیه بساط دزدسالار حاکم است که از هجده صندوق بازنشستگی هفده تایی آن را به ورشکستگی کشانده اند.

این اتحاد زمینه قوی اجتماعی دارد و همین امروز در جاهایی چون کرمانشاه، ایلام، اردبیل شاهد تجمعات مشترک بخشهای مختلف بازنشستگان بوده ایم. بعلاوه فضای پر تلاطم جامعه موج قدرتمند تر انقلاب را در چشم انداز قرار داده است. انقلابی که یک

محور مهم آن اعتراض علیه فقر و گرانی و بی تاملی و داشتن زندگی ای انسانی است و بازتاب آنرا را همین امروز در اعتراضات بازنشستگان می بینیم. از جمله شعار “اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد” که بازنشستگان سر می دهند، به شعار “فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی” این شعار بر آمده از انقلاب زن، زندگی، آزادی وصل است. بدینگونه است که اعتراضات بازنشستگان فراگیر است و شعارهایشان علیه گرانیها، اختلاسها، سرکوبها و علیه رئیسی و دولت و مجلس صدای رسای اعتراض همه مردم در کف خیابان است و فریاد “دولت ورشکسته، همین روزها خلاصه” اولتیماتومشان است به کل حاکمیت.

این چنین است که بازنشستگان که سهمی مهم در کشیده شدن اوضاع به شرایط انقلاب را داشته اند، در متن اوضاع انقلابی امروز نیز نقش پیشتازی دارند. دو شعار کلیدی بازنشستگان و تاکیدشان بر اتحاد را باید در همه تجمعات فریاد زد و اعتراضات آنان را وسیعاً پشتیبانی کرد. (مندرج در ژورنال شماره ۴۹۴)

## سالروز “خطرناک ترین” انقلاب

کاظم نیکخواه



عمومی اکثریت مردم بودند. به نحوی که جرات نمیکردند بدون سلاح جایی آفتابی شوند.

مشکل حکومت اینست که اکنون اوضاع از این نظرها “نابرابرتر” است. جنایات حکومت در خلال انقلاب ژینا و تشدید کل چپاولها و سرکوبهایش باعث شده است که مردم در برابر مزدوران و دست اندرکاران حکومت همبسته تر و مصمم تر باشند و اوباش و مزدوران حکومت در انزوا و مورد نفرت بیشتری قرار بگیرند. این آن جنبه اصلی است که خواب راحت را از سلامی و دیگر سران حکومت گرفته است. دستگیر میکنند، پلمب میکنند، تعرض و جنایت میکنند، فضای شهرها را هرچه بیشتر امنیتی میکنند، گشت ارشاد را به خیابانها برمیگردانند، کف به دهان می آورند و تهدید و رجزخوانی میکنند، هزار جنایت و تعرض و لشکرکشی را سازمان میدهند، اما میدانند که بازنده جنگی هستند که گسترده تر و خطرناکتر از قبل در راه است و نشانی از حکومتشان باقی نخواهد گذشت.

مردم در انقلاب زن زندگی آزادی به خیابان آمدند که کار حکومت تحجر و جنایت و تجاوز و دزدی و فساد را تمام کنند و طعم اتحاد و پیشروی را چشیده اند و میدانند که لرزه بر اندام حکومت انداخته اند و میدانند که در ادامه به کجا میخواهند بروند. سلامی و دیگر جنایتکاران حکومت هم باید فکری به حال خود کنند و ببینند در فردای سرنگونی حکومتشان به کجا میخواهند بروند. برای سلامی و شرکا فرار تنها راه “پیشگیری” است.

مندرج در نشریه ژورنال شماره ۴۸۸



## "آنچه پشت دیوارهای یک کارخانه می‌گذرد؛" گزارشی که حذف شد!

یاشار سهندی



انصافا این را درست می‌گویند. منتها کامل بیان نمی‌کنند که "کارکنان" ابزار یک بار مصرف هستند، که باید به شدت هر چه تمامتر و با خشونت هر چه بیشتر از ایشان کار کشید. در سایت اینترنتی شرکت متن دیگری هم به چشم می‌آید به این مضمون: "ما برآنیم که کیفیت زندگی کارکنان مان، جایگاه رقابتی شرکت مان و توان فنی صنعت خودرو ایران را به سطح بالاتری ارتقاء دهیم..." دو مورد آخری را شاید بتوان باور کرد، اما مورد اول در گزارشی که در ایلنا به تاریخ ۱۷ مرداد منتشر کرد و به سرعت هم حذف شد، درست خلاف ادعای کذایی شرکت کروز است. گزارش مذکور که پایین تر به آن اشاره خواهیم کرد در واقع حمله باند مورد هجوم واقع شده است که از زبان محبوب مدعی شده اند: "محیط کروز با ظاهری زیبا اما در باطن کار برای کارگران بسیار خشن است." محمدرضا فرزعلیان یکی از جنس محبوب و صادقی، اینگونه پته شرکت کروز را روی آب ریخته است: "شرکت کروز در برخی موارد برخورد با کارگران صف‌شکن و سنت‌شکن بوده است. برای مثال اولین قرارداد یک‌ماهه «موجود در کشور را شرکت کروز در ایران برای کارگران تنظیم و ارائه کرد."

گروهی از کارگران زن بازنشسته و شاغل این شرکت رفتند یا ایشان را بردن به محل خانه کارگر متصرف شده، به خدمت کسانی که فلسفه وجودی شان، سرکوب کارگران بوده و هست. کارگران از شرایط سخت و استثمار شدید حاکم بر شرکت کروز اینگونه روایت میکنند: "عناوین شغلی برای کاهش مبلغ حقوق و مبلغ حق بیمه توسط مدیران مجموعه اشتباه رد می‌شود. اکثریت قاطع کارگران مجموعه تحصیلکرده بوده و شغل تخصصی دارند که عنوان شغلی آن‌ها باید «اپراتور» و «کارگر نیمه ماهر» رد شود." در همین رابطه یکی از شاغلین می‌گوید: "طرح طبقه‌بندی مشاغل در کروز اجرا نشده است. قراردادهای ما ابتدا سه‌ماهه بود و سپس بعد از مدتی به قراردادهای یک‌ماهه تبدیل شد. اکثریت عناوین شغلی کروز کارگر ساده رد شده اما بسیاری از افرادی که عناوین شغلی دیگر مانند اپراتور در احکام بازنشستگی‌شان آمده است، تا سال‌ها به‌عنوان کارگر ساده رد شدند و این در حالی است که ماهیت کار آنان در مدت فعالیت خود تغییری نکرده است."

یک بازنشسته دیگر به استاندارد نبودن وسایل تولید شرکت اشاره میکند و می‌گوید: "بخش‌های قابل توجهی از دستگاه‌های مجموعه شرکت کروز پرسروصدا هستند که روان و شنوایی بسیاری از کارگران نزدیک به عوامل تولید صدا را آزار می‌دهند... تا سال‌ها ابزارهای ایمنی و حفاظتی در برابر صدا در بین کارگران توزیع نمی‌شد و تازه امسال... یک بخش از مجموعه برای تعدادی از کارگران این ابزارها را تهیه کرده است. وی با اشاره به اینکه مشکلات کم‌درد، سردرد به دلیل تحمل صدا،

شرکت "کروز" یکی از بزرگترین تامین کنندگان قطعات برای شرکتهای خودروسازیهای اصلی ایران از جمله سایپا و ایران خودرو است. شرکتی که در اوایل دهه ۶۰ در گوشه ای از جاده مخصوص کرج شروع به کار کرد، و در زد و بند با باندهای حکومتی از اواخر دهه ۶۰ رفته رفته این شرکت رشد کرد و اکنون به یک غول در دنیای صنعت تولید خودرو در ایران تبدیل شده است. تا آن حد که بنابر اخبار منتشر شده ۱۵ تا بیست درصد سهام ایران خودرو را، از "طریق تأسیس شرکت زیر مجموعه تحت نام‌های تدبیر سرمایه آزاد و وینارت به‌طور غیرمستقیم" به تملک خود در آورده است. همچنین یک خودروسازی دیگر، "گروه بهمن" (تولیدکننده کامیون، کامیونت، موتورسیکلت، مینی‌بوس، موتور بنزینی) را نیز از همین طریق به نوعی بلعیده است.

در جریان رقابتها و تبهکاریهای میان باندهای مافیایی حکومتی هئیت مدیره این شرکت تحت عنوان "مبارزه با مفاسد اقتصادی" از سال ۱۴۰۰ بدست قاضی صلواتی سپرده شدند! به گزارش خبرگزاری ایرنا: "این پرونده ۱۸ متهم دارد که متهمان ردیف اول و دوم تابعیت‌های ایرانی-آمریکایی و ایرانی-کانادایی دارند که یکی از آن‌ها متواری است. این دو نفر به مشارکت عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق سردستگی و رهبری گروه مجرمانه در زمینه قاچاق حرفه‌ای و سازمان‌یافته قطعات خودرو به میزان ۳۳ هزار و ۹۶۱ میلیارد و ۶۸۶ میلیون و ۴۱۹ هزار و ۱۰۰ تومان (چقدر دقیق!) در فاصله سال‌های ۹۲ تا ۹۹ از مجرای مشارکت در پرداخت رشوه به کارکنان گمرک، متهم هستند." برادر حسن روحانی، حسین فریدون در این پرونده هم پایش گیر است. در واقع این مسئله سبب شده است که مدیران این شرکت را به دادگاه خودشان بکشانند. به‌رحال بعد از چند سال به این نتیجه رسیدند این شرکت مهمی است، درست که مسئله فساد است اما نباید منجر به اخلاف در تولید شد، ولی حتما حکم صادر میشود! حتما همینطور است! و چیز دیگری که حتمی است باند رقیب است که ترتیب نمایش "مبارزه با مفاسد اقتصادی" را داده، سهمش را در این شرکت تضمین خواهد کرد. ظاهرا این اتفاق هم افتاده است و برای همین اعلام حکم کذایی دادگاه را به تاخیر می‌اندازند. خدا بده برکت! در بازدیدهای مکرر نمایندگان مجلس اسلامی سرمایه، یا دیگر کارگزاران حکومت، بر اهمیت بر پا بودن این شرکت تأکید دارند. و به گفته یکی از کارگران شرکت کروز، هر وقت مسئله بازدید است، کُد ۹۹۹ پیج میشود تا همه چیز را گل و بلبل نشان دهند. البته آن نمایندگان پشت درهای بسته، با پذیرایی شربت و شیرینی و هدایا بیشتر قانع میشوند که همه چیز به خوبی پیش می‌رود! ایشان هیچ مشکلی با بهره‌کشی از کارگر ندارند، بلکه هر چه بیشتر سعی میکنند با طرح و تصویب قوانینی هر چه بیشتر زنجیر را بر دست و پای کارگران محکم تر کنند.

کروز با ۱۲۰۰۰ پرسنل، و به گفته سخنگوی قوه جنایتکار قضائیه جمهوری اسلامی سرمایه، ۱۳ هزار و ۵۰۰ نفر، که ۷۰ درصد از ایشان را کارگران زن تشکیل میدهند، در نوع خود یکی از بزرگترین شرکتهای صنعتی ایران محسوب میشود. دو شرکت ایران خودرو و سایپا تولید شان به جریان تولید در این شرکت گره خورده است. کوچکترین وقفه در تولید این شرکت منجر به تعطیلی خط‌های تولید در دو شرکت اصلی خودرو سازی ایران میگردد.

اگر به سایت اینترنتی این شرکت سر بزنید، اولین چیزی که به چشم می‌آید تصویری است از تعدادی از پرسنل این شرکت که با لبخند جلو دوربین ایستاده اند و شعاری بالای سر ایشان حک شده است: "کارکنان سرمایه اصلی کروز هستند؛"



زنان متاهل و سرپرست خانوار بسیار بیشتر کرده است.

و آن عالی جنابان چاقو کش، صادقی محبوب و دو نفر دیگر نهایتاً گفتند: "حتماً از طریق شوراهای اسلامی کار پیگیری می‌شود. بحث روابط کار و قرارداد نیز با مدیرکل بازرسی اداره کار هماهنگ می‌شود." و سر دسته ایشان محبوب فرمودند: "کارگران بازنشسته باید در زمینه حقوق خود دادخواستی ارائه دهند تا کارشان رسیدگی شود و هر جا گزارش شرکت کروز خلاف واقع بود، قابل بررسی خواهد بود." و توصیه فرمودند: "برای خود شرکت کروز نیز بهتر است که به صورت منطقی به حل مسائل و مشکلات این مجموعه و کارگران و بازنشستگان خود بپردازد." و به کارگران معترض اطمینان دادند انشالله همه چیز خوب خواهد شد؛ صلوات!

جالب است بدانید شرکت ایران خودرو و سایپا با تمام ظرفیت خود مشغول کارند. به نظر میرسد حکومت به شدت در تلاش است به هر شکلی است چراغ این دو شرکت عظیم روشن باشد، تا نشان دهند همه چیز آرومه! در شرکت‌های مادر سعی میکنند به موقع حقوق و دستمزدهای کارگران را بپردازند و حتی به گزارش یکی از سایتهای حکومتی (اقتصاد نیوز) "پرداختها عجیب" در این دو شرکت صورت می‌گیرد. همین سایت تاکید میکند: "البته فراموش نکنیم حقوق‌های ماهانه یاد شده به طور میانگین است و به طور قطع فاصله معناداری میان حقوق مدیران خودرو ساز با حقوق پرسنلی که در خطوط تولید مشغول به فعالیت هستند، وجود دارد.... خودروسازان با توجه به نگرانی سیاست‌گذار از تبعات اجتماعی اجازه تعدیل نیروی کار خود و متناسب‌سازی تعداد نیروی کار با تیراژ تولید ندارند." و این اذعان حکومت به هراس خود از اعتصاب کارگران، بخصوص کارگران خودرو سازی است. بعد از نفت شاید بزرگترین تأثیر بر جامعه اعتصاب در این شرکتهاست که بخش وسیعی از صنعت در ایران را تحت تأثیر خود قرار میدهد و به تبع آن کل جامعه را؛ اما حذف دستپاچه گزارش مذکور، نمی‌تواند حقیقت را پشت دیوارهای کارخانه نگه دارد.

سال گذشته در ببحوجه انقلاب زن زندگی آزادی، در اعتراض به شرایط کار و عقب افتادگی پرداخت حقوقها در ۲۸ آبان کارگران این شرکت دست به اعتصاب زدند. با توجه به سخنان کارگران شاغل و بازنشسته با همه فشارها جو اعتراضی در این شرکت حاکم است. کارگر چاره ای جز اعتصاب و اعتراض ندارد. اعتصاب در شرکت‌هایی مانند کروز میتواند به زنجیره ای از اعتصابات در خودرو سازها منجر شود. این وحشتی است که حکومت دارد. انعکاس این گزارش نیم بند در ایلنا به واقع گویای این مسئله است، که تحمل آنرا هم نداشتند و به سرعت حذف شد. اما چیزی که حذف نشدنی است، تهدیدی است که از سوی کارگران، با توجه به موقعیت اجتماعی آنها متوجه کل حکومت است.

## "آنچه پشت دیوارهای یک کارخانه..."

از صفحه ۴

مشکلات ریوی به دلیل شوینده‌ها و حلال‌ها، انواع دردهای دست و پا به همراه واریس از بیماری‌های رایج شغلی در کروز است، اضافه می‌کند: در برخی موارد حلال‌ها و مواد شیمیایی لازم برای شستشوی میز کار و قطعات باعث آسیب‌های عصبی و ریوی در کارگران می‌شود. چند سال قبل یکی از آقایان همکار مجموعه به دلیل استنشاق مرتب حلال‌ها فوت شدند؛ زیرا شرکت تاکید دارد که حتی یک لکه نباید روی میز بماند تا ظاهر زیبای فضای کار حفظ شود! او تاکید می‌کند: کار در گرما و در شرایطی که بخشی از نیروها با هوای برقی کار می‌کنند، نیاز ایجاد می‌کند که برای خروج دود آسیب‌زای آن و گرما، وسایل سرمایشی باشد که در اختیار قرار نمی‌گیرد. همچنین حرارت بالای برخی دستگاه‌ها در کنار شکل بد ارگونومی میز کار در برابر بدن در محیط به کارگر آسیب وارد می‌کند. وقتی اوپراتور پشت دستگاه می‌نشیند، تعهدی گرفته می‌شود که ارگونومی محیط کار رعایت شده است، اما هیچکدام از ابزار آلات، میزها، صندلی و پدال‌های برخی دستگاه‌ها دارای استانداردهای ارگونومیک نیست. دستگاهی به نام «شونک» وجود دارد که فرد پشت آن می‌نشیند و پدال‌ها و اهرم‌هایی دارد. وضعیت ارگونومی این دستگاه بسیار اسفناک و بد است و به استخوان‌بندی بدن کارگر نیز آسیب وارد می‌کند. بیشتر مشکلات دیسک کمر به همین دلیل است.

یکی دیگر از زنان بازنشسته ادامه میدهد: "بنده بطور روشن و آشکار چندین پرونده پزشکی برای مشکلات ناشی از کار در کروز داشتم، اما قبل از بازنشستگی و در آستانه پایان دوره کاری، برگه تعهدی در برابر بنده قرار داده شد که در آن قید شده بود «هیچ مشکلی در هنگام رفتن از شرکت ندارم» (که این برگه مورد اعتراض بسیاری از کارگران واقع شد."

یکی دیگر از کارگران شاغل به "رفتارهای آزار دهنده" با زنان اشاره میکند و بر سختی کار و آلاینده‌های زیاد در محیط کار تاکید دارد که در واقع طبق قوانین موجود نیز محیط کار شامل شرایط سخت و زیان آور محسوب میشود و "ما خودمان باید مدام نسبت به قرارداد اعتراض کنیم تا بازرس بیمه بیاید و بحث سخت و زیان‌آوری کار را بررسی کند." وی تصریح میکند: "اخیراً به جای متن خود قرارداد کار، به ما الحاقیه قرارداد در ۴ خط می‌دهند و ما آن را امضا می‌کنیم. ما اصل قرارداد اولیه که این مطالب کوتاه بر آن الحاق شده را ندیدیم... و نمی‌دانیم در مراجع بالاتر قرار است چه چیزی به‌عنوان قرارداد تغییر یافته ارائه شود."

یکی دیگر از کارگران زن شاغل به محدودیت زمان برای تولید انبوه اشاره دارد و تاکید میکند: "شاید اگر این فشار زمانی نبود، بسیاری از آسیب‌های دست، گردن، کمر و پای زنان شاغل در کروز نیز وجود نداشت. وقتی کارگران نخواهند از آمار تولید عقب بیفتند، بسیار آسیب می‌بینند... آسیب روانی همزمان با استرس سرعت بالای کار آسیب‌های روانی را در کنار آسیب‌های جسمی افزون کرده است. این درحالی است که هر اعتراضی به وضعیت نیز با کاهش قابل ملاحظه پاداش و مزایای کار در مرحله اول و برخوردهای بعدی در مراحل دیگر مواجه می‌شود. این درحالی است که ورود گوشی تلفن همراه به داخل محیط کار ممنوع بوده و جریمه دارد و اگر کسی مشکل خاصی داشته باشد، در تماس با کارخانه پیچ می‌شود تا بتواند صحبت کند. خود همین مسئله اضطراب حین کار را برای

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



انحصاری خودش هم که باید از درآمدهای آن هزینه ادامه حیات خود را تأمین کند، به ورشکستگی دچار کرده است.

جمهوری اسلامی حکومتی است که هر روز باید برای سرپا ماندنش تا روز بعد مانند راهزن دست به راهزنی و دزدی بزند. وضعیت امروز این حکومت هیچ شباهتی با وضعیت یک حکومتی که امیدوار است تا چند سال دیگر دوام بیاورد، ندارد. هیچ راه حلی برای کاهش از بحران اقتصادی ندارد. نه تنها توان کنترل یک روز قیمت در بازار را ندارد، بلکه مجبور است برای جبران کسری هزینه های دستگاههای حکومتی هر چند ماه یکبار به طور رسمی قیمت اساسی ترین مایحتاج عموم مردم مانند نان و دیگر اقلام غذایی، دارو، آب، برق و گاز را ده ها درصد گران کند.

همین حکومت و دولت فاسد و چپاولگر که با وجود اعتراف و ارائه آمار خودشان ، نرخ تورم در پایان سال گذشته 5/46 درصد بود، حقوق کارگران برای امسال را 27 درصد افزایش دادند و در حالیکه کمتر از 5 ماه از سال جاری سپری شده ، در هفته دو الی سه بار تجمعات بازنشستگان در اعتراض به پائین بودن حقوق و سرسام آور بودن گرانی شکل می گیرد. قیمت نان را 40 درصد به طور رسمی گرانتر کرده اند. این یک اقدام مطلوب و از سر رضایت برای حکومت نیست. خود زنی از روی ناچاری است.

گران کردن قیمت ها، مخصوصاً قیمت اقلام اساسی مورد نیاز زندگی عموم مردم در حالیکه اکثریت آن مردم به گرانی و پائین بودن سطح حقوق و درآمدها معترضند، فقط می تواند پاسخ حکومتی مانند جمهوری اسلامی باشد که دورنما و امید به ماندگاریش فراتر و بیشتر از یک روز نیست. پاسخ حکومتی است که امید ندارد فردا هم بر جامعه حاکم بماند و به زیرش نکشند. حکومت مدام با کابوس سرنگون شدن توسط مردم خشمگینی که در کمینش نشسته و هر آن ممکن است با هر بهانه ای خیابان و مراکز کار و تولید را برایش به جهنم تبدیل کنند، بسر می برد.

این حکومت چاره ای ندارد. می داند که بزودی سرنگون خواهد شد و چنانچه با هر چنگ انداختنی بر زندگی و حیات مردم جامعه، بتواند یک روز دیگر بر حیات ننگینش بیافزاید، خود را آرزوی پیروز میدان جنگ با جامعه می داند و به آن راضی است و بر خود می بالد. و حرف مردم اینست که به عقب برنمیگردیم و فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی شعار انقلاب زن زندگی آزادی است.

## ما میگیریم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه!

مهران محبی

یک بیان صریح، ساده و عامه فهم که موقعیت، شرایط و منافعی عمیقاً متضاد میان حکومت و اکثریت جامعه را به تصویر می کشد! "ما میگیریم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه" یکی از شعارهای بازنشستگان در یکی از تجمعات روز سه شنبه در اعتراض به شرایط معیشتی و پائین بودن سطح حقوقهایشان است. هر ناظر بی طرفی این شعار بازنشستگان را گوش بدهد، عمق و گستره فساد، چپاولگری و دزدی و غارتگری حکومت از اموال اجتماعی و حتی حقوق و دستمزد فردی افراد جامعه را در می یابد.

این شعار بازنشستگان از طرفی به صراحت بیان کننده وضعیت فلاکتبار زندگی اکثریت مردم کارگر، مزدبگیر و زحمتکش جامعه است که از این طریق می توان به وضعیت زندگی فاجعه بار میلیونها کارگر و مزدبگیر اخراجی و بیکار و فاقد درآمد هم پی برد و از طرف دیگر وضعیت یک حکومت جنایتکار به بن بست رسیده را شرح می دهد که با هیچ معیاری ویژگی حکومت و دولت بودن حتی عقب مانده ترین نوع سرمایه داری موجود در جهان را ندارد. دستجات و باندهای جنایتکاری هستند که مانند دزدان و جانیان سرگردنه گیر باید برای حفظ خود و همدستانشان باجگیری، غارت و دزدی کنند و هر صاحب مالی که مقاومت کند، از پای درش آورند.

جمهوری اسلامی امروز حتی حکومت بحران سالهای اول بعد از سال 57 هم نیست. این حکومتی بود که با کمک دول غربی و آمریکا برای مقابله با بحران سرمایه داری در ایران و بازگرداندن آرامش و شرایط متعارف برای تولید و بازگشت به بازار سرمایه داری جهانی بعد از انقلاب 57 از طریق سرکوب و به خون کشیدن انقلاب به قدرت رسید. امروز حتی آن حکومت بحران از نظر دول سرمایه داری جهانی هم نیست. این حکومت که سرمایه داری غرب انتظار داشت بتواند بعد از چند سال انقلاب را سرکوب و جامعه و بویژه طبقه کارگر را رام و به سکوت کشاند، ناکام ماند و خود به عامل بحران تبدیل شده است. از نظر سیاسی سالهاست که برای حامیانش در عرصه بین المللی در دسرس ساز و مشکل آفرین شده و افسار پاره کرده است. افسار گسیختگی سیاسی امروز جمهوری اسلامی که منطبق با هویت ایدئولوژیکی تقابل با غرب و آمریکا از بدو استقرارش است، باعث قطع روابط اقتصادی و تجاری و بانکی با همه کشورهای صاحب صنایع و تکنولوژی و سرمایه شده و حالا یک حاکمیت از هر نظر در بن بست و محاصره است.

جمهوری اسلامی حتی با عقب مانده ترین دولتها و حکومتهای سرمایه داری از نظر توانمندی در تأمین حداقل شرایط برای سرمایه گذاری چه داخلی و چه بین المللی قابل مقایسه نیست و در نتیجه نه تنها برای سرمایه گذاریهای بخش خصوصی مجال و شرایط سرمایه گذاری را فراهم ننموده و گردش چرخ تولید و به یک معنا بقاء معمول اقتصاد سرمایه داری را در ایران با بحران و مخاطره مواجه کرده، بلکه بخش

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

[newchannel.tv/live/tv](http://newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## ۲۲ مرداد: تجمعات گسترده بازنشستگان نامین اجتماعی و چند حرکت اعتراضی دیگر

### نابود باد بندگی، زنده باد زندگی!

وضعیت اسفبار معیشتی، بودجه ناچیز اختصاص یافته به معلولین در بودجه ریاضتی سال ۱۴۰۲ و بودجه های معوقه توانبخشی و عدم اجرای پنج ساله ماده ۲۷ قانون معلولان تجمع و اعتراض داشتند.

تجمع اعتراضی دیگر این روز از سوی کارگزاران مخابرات روستایی در استان های خوزستان، لرستان و خراسان رضوی مقابل استانداری در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تبعیض ها برگزار شد. خواستهای اعلام شده آنها در این اعتراضات عبارت بودند از: رفع تبعیض در نظام پرداخت حقوق بین کارکنان شهری و روستایی؛ اصلاح تاریخ شمولیت پایه سنوات و طرح طبقه بندی کارگزاران از زمان خصوصی سازی شرکت مخابرات ایران بود.

خبر دیگر اینکه بدنبال چند روز اعتراض کارگران نساجی بروجرد در هفته گذشته در اعتراض به تعویق پرداخت حقوقها و اخراج ۲۵ نفر از همکاران خود و نداشتن امنیت شغلی، امروز کارفرمای این شرکت وعده پرداخت دو ماه حقوق کارگران را داد. اما کارگران بر بازگشت به کار همکاران اخراجی خود و توقف اخراجها نیز تاکید دارند.

امروز ۲۲ مرداد مالباختگان شرکت پیشتاز خودروی مهر در تاکستان نیز در اعتراض به دزدی و بالا کشیدن سپرده هایشان در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. این مالباختگان روز گذشته نیز تجمع داشتند.

همچنین در روز گذشته بیست و یکم مرداد ماه شاهد برگزاری تجمعات دیگری از سوی مردم معترض بودیم. از جمله جمعی از مرغداران بخاطر وضع بد معیشتی و کاری خود مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند. همچنین گروهی از کارگران شهرداری زاهدان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان مقابل ساختمان شهرداری مرکز استان سیستان و بلوچستان تجمع و اعتراض کردند. از سوی دیگر جمعی از مردم معترض تبریز در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه و معضل آب مقابل ساختمان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری آذربایجان شرقی تجمع اعتراضی برپا کردند. در این تجمع حضور زنان برجسته بود و شعار میدادند: "سدها را بشکنید. دریاچه ارومیه را پر کنید!". اعتراضات در سطح جامعه گسترده است. بویژه بخش های مختلف بازنشستگان در هر هفته بیش از بیست شهر را به صحنه تجمع و راهپیمایی و اعتراض خود تبدیل میکنند. دو شعار کلیدی "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" و "لشکری، کشوری، نامین اجتماعی اتحاد اتحاد" فراخوانی به تجمعات میلیونی مردمی از سوی آنانست. این در حالیست که جامعه در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است. بدینگونه است که جامعه ادامه انقلاب برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی را فریاد میزند.

حزب کمونیست کارگری ایران، ۲۲ مرداد ۱۴۰۲، ۱۳ اوت ۲۰۲۳

امروز یکشنبه ۲۲ مرداد بازنشستگان نامین اجتماعی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و در ادامه یکشنبه های اعتراض برای پیگیری مطالبات خود در مقابل نامین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات بنا بر گزارشات تاکنونی در شهرهای شوش، کرج، اردبیل، گلزار رشت، کرمانشاه، اهواز، و شوشتر برگزار شده است. در این روز همچنین بازنشستگان فولاد البرز غربی در ابهر نیز در اعتراض به گرانی و تورم و خواستهای پاسخ نگرفته خود تجمع کردند. درمان رایگان، همسانسازی حقوقها و افزایش سطح آنها و پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواستهای فوری آنهاست.

در این تجمعات بازنشستگان با فریاد شعارهایشان اعتراضی کل جامعه علیه فقر و بی تامینی را نمایندگی کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه"، "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "توبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "تورم، شکسته پشت مردم"، "از خوزستان تاگیلان/ ننگ بر مدیران"، "لشکری کشوری نامین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "نابود باد بندگی، زنده باد زندگی!".

در شوش با وجود گرمای بالای ۵۰ درجه بازنشستگان از کرخه و شوش و هفت تپه گرد آمده و با راهپیمایی در شهر و فریاد شعارهای کوبنده خود صدای اعتراضشان را بلند کردند. از جمله شعار میدادند: "تامین رو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، "مجلس سرسپرده، گرانی رو آورده"، و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

در کرمانشاه بازنشستگان شعار میدادند: "خواسته ما این زمان، معیشت است و درمان"، "دولت ورشکسته دشمن بازنشسته"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، و "تورم اسفبار حاکم شده تو بازار". در این تجمع بنر بزرگی با خواست درمان رایگان توجه ها را به خود جلب میکرد. در این شهر بازنشستگان کشوری، لشکری و نامین اجتماعی در کنار هم تجمع کردند و در این روز یکی از معلمان بازنشسته در جمع بازنشستگان نامین اجتماعی سخنرانی کرد و گفت: "اوضاع در جمیع جهات و تمامی ابعاد نابسامان است... شما ما را خوار کرده اید آیا هار شده اید؟! روزگار اینچنین نخواهد ماند، عمر ظالم کوتاه است!".

بازنشستگان با شعار کشوری، لشکری، نامین اجتماعی اتحاد، اتحاد بر دردهای مشترک و مبارزات مشترک خود تاکید دارند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به دزدی ها و اختلاسها و پرداخت مطالبات بازنشستگان از جمله خواستهای فوری همه بخشهای آنانست. همچنین در این روز معلولان در اردبیل و کرمانشاه بار دیگر در اعتراض به



## تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات و اعتصاب کارگران اورهال پالایشگاه آبادان و مترو تهران



خبر دیگر اینکه روز گذشته ۲۲ مرداد بیش از ۴۰۰ کارگر واحد تعمیرات پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، و شرایط کار طاقت‌فرسا مقابل درب اصلی پالایشگاه تجمع کرده و خواستار تبدیل وضعیت و امنیت شغلی خود شدند. مسئولان به آن‌ها وعده تبدیل وضعیت داده بودند اما با گذشت سه سال کار سخت و پر مخاطره هنوز بلا تکلیف‌اند. بنا بر خبرها این کارگران به دلیل عدم تمکین پالایشگاه آبادان به "طرح حذف پیمانکار" که بر اساس آن باید زیر نظر قرارداد خود پالایشگاه قرار بگیرند و تغییر وضعیت شوند، بی‌کار شده‌اند و کارگران به آن اعتراض دارند. این کارگران سابقه ۱۶ ساله در پالایشگاه را دارند ولی به دلیل عدم تداوم روزهای کاری در طول سالیان دراز تغییری در وضعیت شغلی شان ایجاد نشده و سابقه بیمه آنها بسیار کمتر از مدت زمان کاری شان است. در خبری "رئیس کمیته ساماندهی جذب نیروهای غیرمستمر پالایشگاه آبادان" می‌گوید: "بخش‌های بالادستی از جمله وزارت نفت باید نسبت به صدور مجوزات لازم برای جذب و تبدیل وضعیت این کارگران مجوز صادر کند، مجوزی برای تبدیل وضعیت این کارگران در اختیار مجموعه پالایشگاه آبادان نیست تا بتواند این خواسته کارگران را اجرایی کند". بدینگونه بخش‌های مختلف کارگران را پاسکاری کرده و پاسخی به آنها نمیدهند.

"شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۳ مرداد ۱۴۰۲، ۱۴ اوت ۲۰۲۳

امروز ۲۳ مرداد در یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر تجمع کردند. اعتراض این بازنشستگان به گرانی و تورم و بی‌تامینی و مطالبات فوری پاسخ نگرفته خود از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدای سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی است. بنا بر خبرها این تجمعات تا کنون در شهرهای اصفهان، تبریز، اهواز، مشهد، ایلام، شیراز، رشت، کرمانشاه، تهران، اردبیل، شهر کرد، هرمزگان برگزار شده است.

در اهواز بازنشستگان با راهپیمایی در شهر فضای پرشوری از اعتراض آفریدند. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، "مخبر حیا کن آیین نامه را اجرا کن"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "حقوق بازنشسته پشت درهای بسته"، "از بس دروغ شنیدیم یک روز خوش ندیدیم"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم".

در این روز همچنین تجمع جمعی از کارکنان و پرسنل مترو تهران در اعتراض به برنامه ضدکارگری هفتم توسعه و نیز عدم رسیدگی به دیگر مشکلاتشان در محل مترو بهارستان دست به تجمع زدند. اعتراض کارگران مترو خصوصاً به ماده ۲۹ فصل پنجم از لایحه هفتم توسعه است که سن بازنشستگی را در مشاغل سخت و زیان‌آور افزایش می‌دهد. این تجمع قرار بود در مقابل مجلس صورت گیرد که با معانعت نیروهای امنیتی روبرو شد.

### لایحه حجاب و عفاف، ابزاری برای سرکوب و به عقب راندن جامعه



می‌بندد با توسل به سرکوب زنان در زمینه "حجاب و عفاف" و تعرض به حقوق زنان دنبال عقب راندن این فشار خردکننده بر خود و جلوگیری از شکاف بیشتر درون صفوفش می‌باشد.

مقاومت و مقابله با این سیاست نه فقط برعهده زنان بلکه وظیفه کل جامعه است زیرا این "هجوم" تمام جنبش‌های اجتماعی مطالبه‌گر را تحت تاثیر قرار میدهد. حکومت به فضای تمکین جامعه بشدت نیاز دارد و به زعم خود از حلقه ضعیف یعنی جنبش زنان شروع کرده است. غافل از اینکه زنان در بیش از چهار دهه بصورت عینی و عملی حجاب اجباری را از موضوعیت انداخته‌اند و با شروع انقلاب زن، زندگی، آزادی کل جامعه در مقابل تعرض به زنان ایستاده است. سالهاست زنان به پیشگامان هر جنبش مطالباتی در سطح جامعه بدل شده و حضورشان نقطه قوت هر حرکت اعتراضی است. از جنبش دادخواهی گرفته تا جنبش‌های معیشتی و اجتماعی. جنبش زنان انتظارات و مطالبات جامعه را بالا برده و بازگشت به گذشته دیگر ممکن نیست.

شورای بازنشستگان ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

حکومت ناتوان از پاسخگویی به مطالبات مردم در مقابل اعتراضات هر روزه اقشار مختلف جامعه قرار گرفته و تجمعات مردمی بی‌وقفه ادامه دارد.

در چنین شرایطی حکومت به رویکرد همیشگی‌اش یعنی سرکوب متوسل شده است. می‌خواهد جامعه ملتهب و تعرضی را به عقب براند "جامعه باید تمکین کند"، اما تمکین چنین جامعه معترض و مطالبه‌گری که شش سال قبل موضع خود را با شعار: «دیگه تمومه ماجرا» (در خیابان اعلام کرده و دو سال بعد، از آن خونین عبور کرده و از سال گذشته وارد خیزش سراسری زن، زندگی آزادی شده بسیار سخت و مشکل و حتی غیر ممکن است.

حکومت رویکرد خود در ساکت کردن و به عقب راندن جامعه را از مسیر تعرض و عقب راندن زنان می‌بندد. مضاف اصلی نبرد برای خلاصی را در این جبهه دیده و می‌پندارد که اگر نیمی از جامعه را به تمکین وادار کند فضای ایجاد شده به کل جامعه تسری یافته و در پی آن با توسل به قدرقدرتی بوجود آمده، کل جامعه متلاطم را بعقب می‌کشاند.

موج جدید هجوم ریزی شده علیه زنان با طرح حجاب و عفاف که هیچ دستگاهی از حاکمیت مسئولیت رسمی آنرا نمی‌پذیرد، سناریوی هجوم به همه مردم مطالبه‌گر معترض است.

مبارزه با بی‌حجابی فرصتی برای تعرض به کل جامعه است.

حکومتی که بشدت از طرف مردم تحت فشار است و موجودیت خود را در خطر



## ادامه فشارهای امنیتی بر معلمان و کارزار یک صد هزار امضا

۲۸ هزار معلم به کارزار یکصد هزار امضا پیوستند

و ژاک پاریس دو معلم سندیکالیست فرانسوی هستند که در پس سفر به ایران و ملاقات با فعالین کارگری و تعدادی از اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، برای تبادل تجربیات خود، با پرونده‌سازی امنیتی مسخره جاسوسی هنگام بازگشت، بازداشت شدند و از اردیبهشت ۱۴۰۱ تاکنون بیش از ۱۵ ماه است در زندان اوین به سر می‌برند! نوامی کولر، خواهر سیسیل کولر، معلم فرانسوی زندانی در اوین، در توییتش نوشت که: «خواهرم سیسیل، در آخرین تماسی که داشت گفتم که این تماس‌ها برایم مثل هوای تازه است. از ۴ جولای، یک ماه پیش، هیچ خبری از او نداریم و



این غیرانسانی است. او باید از آن جهنم بیرون بیاید." آخرین خبر مربوط رپوده شدن و شکنجه سونیا شریفی دانش آموز هفده ساله درآبدانان است. بر اساس گزارشات منتشر شده، روز چهارشنبه ۱۸ مردادماه ۱۴۰۲، سونیا شریفی، توسط نیروهای امنیتی این شهر با توسل به زور سوار ماشین شده و پس از انتقال به مکان نامعلومی، مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفته و سپس در همان مکان رها شده است. این دانش‌آموز ۱۷ ساله از ناحیه سر زخمی شده است. سونیا شریفی شانزده سال داشت که در جریان اعتراضات مردمی در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ همراه با ضرب و جرح بازداشت و در دادگاه انقلاب ایلام به "محاربه" متهم و محکوم شده بود. که نهایتاً در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۴۰۱، با تودیع وثیقه آزاد شد.

این خبرها گوشه‌ای از یک جدال وسیع مردمی با حکومت منفور جمهوری اسلامی و سرکوبگریهای رژیم خصوصاً در قبال معلمان معترض است. "کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی یک پاسخ معلمان به این سرکوبگریها است. اعتراض این کمپین به ادامه بازداشتها و به دستگیریهای بیشتر و به پرونده‌سازی و احکام سنگین اخراج، زندان، بازخریدی، بازنشستگی اجباری و انفصال از خدمت برای صدها معلم در سراسر کشور است.

تاکنون هزاران نفر از این کارزار حمایت کرده و خواستار توقف روند سرکوب معلمان شده‌اند. بنا بر آخرین گزارش برگزار کنندگان این کارزار تا کنون بیش از ۲۸ هزار نفر از این کمپین اعلام حمایت کرده‌اند. این در حالیست که کانونهای صنفی معلمان از شهرهای مختلف و دیگر نهادهای کارگری طی بیانیه‌هایی همبستگی خود را با این کارزار اعلام کرده‌اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر حمایت وسیع مردمی از این کارزار تأکید دارد. خواستها و اعتراضات معلمان، بویژه خواست تحصیل رایگان برای همه خواست همه مردم است. مبارزه معلمان علیه امنیتی کردن مبارزات راهکاری در برابری سرکوبگریهای حکومت است. از کارزار یکصد امضایی معلمان برای آزادی همکاران زندانی شان باید میلیونی حمایت کرد. در کنار این کارزار با تجمعات اعتراضی سراسری و قدرتمند میتوان سرکوبگریهای حکومت را به عقب زد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکند که صدای این کارزار در سطح جهان باشد.

شهبلا دانشفر، کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۲ مرداد ۱۴۰۲

<https://www.free-them-now.com/>

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

روز شنبه ۲۱ مرداد دادگاه معلمان بازنشسته غلامرضا اکبر زاده باغبان، تیمور باقری (۶۹ساله)، حسین مهدی زاده (۷۸ساله) و طهماسب سهرابی (۷۶) ساله با حضور وکلا آقایان رامین صفرنیا و قاسم بزرگ زاده در شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت برگزار شد. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان

تأکید قاضی بیشتر بر محتوای بیانیه‌های کانون صنفی فرهنگیان گیلان و قطعنامه‌های شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بود که مقامات امنیتی پرینت آنها را به عنوان اسناد تبلیغ علیه نظام ارائه کرده بودند.

در این جلسه طولانی وکلا و این چهار

عضو کانون صنفی معلمان گیلان ضمن تأکید بر حق بودن مبارزاتشان موارد مستندی را در رد اتهامات بیان داشتند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن پرونده سازی‌ها علیه فعالین اعلام کرده و مینویسد: "مطالبات معلمان محصول بی‌تدبیری‌های حاکمیت در چهار دهه گذشته است و صدور چنین احکامی مانع تداوم اعتراضات جامعه معلمان نخواهد بود."

همچنین در ادامه فشار بر معلمان معترض لیدا اسماعیلی از معلمان استان البرز به بازنشستگی پیش از موعد، علیرضا همتی از معلمان ایلام به چند ماه انفصال از خدمت، امید افضلی پور معلم در استان چهارمحال و بختیاری به ۳ ماه انفصال از خدمت و منصوره سرافرا از معلمان گیلان به بازنشستگی اجباری با ۲۵ روز و تقلیل گروه محکوم محکوم شدند و از فرنگیس قشقایی معلم در کرج برای حضور نیافتن در اعتراضات تعهد گرفته شده است.

از سوی دیگر خبرها حاکی از وخامت وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی، بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان ایران، در زندان اوین است. جعفر ابراهیمی به دلیل مشکلات گوارشی و عدم رسیدگی پزشکی تخصصی، وضعیت جسمی وخیمی پیدا کرده است. او مدت‌هاست که به دلیل عود بیماری التهاب روده نیاز فوری به درمان داد و بدلیل این بیماری در دو ماه اخیر هشت کیلو وزن از دست داده و دست‌وپا و دهانش نیز درگیر این بیماری شده است. جعفر ابراهیمی بارها به بهداری زندان مراجعه و داروی تجویز شده توسط پزشک متخصص زندان، مشروط به مصرف در شرایط ایزوله می‌باشد و این امکان در زندان وجود ندارد. با توجه به این وضعیت بحرانی، پزشکی قانونی ضرورت آزادی هر چه سریع‌تر آقای ابراهیمی از زندان را اعلام نموده است اما مسئولین زندان با فرستادن پرونده‌ی وی به کمیسیون و نیز عدم پاسخگویی، توجهی به ضرورت درمان این فعال صنفی ندارند. وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی در زندان روز به روز وخیم‌تر و بدون داشتن هیچ سابقه‌ای پیشین، بدلیل فشارهای دوران انفرادی و نیز زندان، متأسفانه به دیابت نیز مبتلا شده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن انتشار این خبر بر زادی و درمان فوری وی تأکید کرده است.

بعلاوه بنا بر خبر دیگری عزیز قاسم زاده معلم و خواننده زندانی به علت عارضه‌ی سنگ صفرا روز یکشنبه ۲۲ مرداد مورد عمل جراحی قرار گرفت. او به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال زندان محکوم شده و از ۱۹ فروردین در زندان لاکان رشت در حال گذران دوران محکومیت یک ساله خود می‌باشد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان همچنین گزارش میکند که سیسیل کولر معلم زندانی فرانسوی یکماه است که با خانواده اش تماسی ندارد. سیسیل کولر



## تجمع اعتراض آمیز کارگران اورهالی پالایشگاه نفت آبادان مقابل فرمانداری

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۲: حذف کامل پیمانکاران، تبدیل وضعیت استخدامی و برخورداری از امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد و... از جمله مشکلات و مطالبات صنفی این کارگران است.

این همکاران عنوان نمودند؛ هرچند با وجود نامه نگاری های قبلی پاسخ مناسبی دریافت نکرده اند، اما با اراده خود کارگران به خواسته امروز مسئولین فرمانداری آبادان پاسخ مثبت داده، به تجمع امروز پایان دادند.

ما با حمایت کامل خود از این همکاران اعلام میکنیم، مشکل ما کارگران در عدم تحقق مطالباتمان، قوانین جاری برده داری از نوع مزدی آن است که معیشت و منزلت ما را هدف قرار داده، موجودیت پیمانکاران، این پدیده انگلی سیستم سرمایه

داری بویژه در نفت تأمین کننده منافع قانونگذارانی است که زیاده خواهی شان، فقر و بی حقوقی ما را سبب گردیده است و بی شک عزم، اراده و اعتراض ما کارگران تعیین کننده خواسته های صنفی ما و متحول کننده شرایط موجود خواهد بود!

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت(ارکان ثالث) برگرفته از مدیای اجتماعی

### تلفات هرروزه کارگران ارکان ثالث و اورهالی در هوای گرم و کشنده و سکوت و بی تفاوتی مسئولین. ظلم و تبعیض پایانی ندارد!



استثمار ما کارگران.

از این بابت ما کارگران ارکان ثالث اعلام میکنیم، علیرغم همه امکانات به کار گرفته شده در سکوت خبری و امنیتی داخلی، از بابت وضعیت کاری

مان در شرایط گرمای طاقت فرسا که آنچنان آشکار و بدیهی است که از دید محافل خبری سراسر جهان پنهان نمانده، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، در بیان واقعیات و مطالبات از هیچ تلاشی فروگذار نکرده با توجه به عزم عوامل سازشکار دولتی در کتمان واقعیت ها و تلاششان در عقب نگه داشتن صدای اعتراضات کارگران، از جایگاه ویژه تشکل های کارگری همچون شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت(ارکان ثالث) اتحاد و همبستگی خود را بیشتر از پیش استحکام بخشیده در پی تحقق مطالبات خود از طریق این تشکل های مستقل کارگری قطعاً مسیر اعتراضی را پیش خواهیم گرفت. در ازای برخورد غیر انسانی قوانین و مجریان آن، صاحبان قدرت و سرمایه و پیمانکاران مفتخور، بدون هیچ تردیدی اعتصابات کارگری در به رخ کشیدن قدرت متحول کننده طبقه کارگر، تعیین کننده و قریب الوقوع بوده، این خط و نشان ما است در جمع و جور کردن بساط زورگویی و بردگی از نوع مزدی آن!

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت(ارکان ثالث) ۲۱ مردادماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

گرمای کشنده مناطق عملیاتی نفت جنوب بویژه در خوزستان و پارس جنوبی در شرایطی تهدید کننده هرروزه جان کارگران است که مراکز اورژانس و درمانگاه های پیرامون این مناطق بخشی از فضای درمانی خود را اختصاص داده اند به وضعیت اورژانسی کارگرانی که با حمله های قلبی، مشکلات تنفسی و گرما زدگی، به این مراکز اعزام می شوند.

اتفاقی که هرروزه در جریان است و ظاهراً روال معمول کار و تولید در تصمیمات مدیران نفتی و دولتی بیشتر از جان انسانها ارزش داشته، کارگر میبایست تحت هر شرایطی در خدمت تولید باشد. واقعیت این است که کارگر تحت این عنوان عاملی است که میبایست برای تأمین سود و سرمایه صاحبان قدرت علاوه بر عرضه توان جسمی خود، جانش را نیز تقدیم کند تا در شرایط معمول زیاده خواهی سرمایه دار و چپاولهای بی حد و حصر وقفه ایجاد نگردد.

تعبیری واقعی و موجود از بردگی مزدی!

اما سکوت مسئولان و رسانه های در خدمتشان در چنین شرایطی از آنجا تبدیل به شاخص تضاد با خواست توده مردم میگردد که فضای مجازی بیان کننده واقعیات جامعه و مشخصاً مصائب کارگر است. بدین شکل که در بخشهای مختلف عملیاتی کارگران اقدام به انعکاس وضعیت کار و مشقات آن در مناطق نفتی نموده، پرده از واقعیات نا گفته بر میدارند. با همه شواهد موجود، این حقیقت غیر قابل کتمان است که همه عوامل در خدمت به نظام سرمایه داری موجود، صاحبان قدرت و سرمایه و در نهایت منافع مدیریت نفت، مسئولان و عوامل سود اندونزی شان یعنی پیمانکاران مفتخور است و تمامی امکانات در خدمت به معمول بودن شرایط است و تداوم

### پرونده سازی برای ۳۲ نفر از کارگران و مردم معترض آقدره را محکوم میکنیم

تیراندازی کردند و سه نفر رامجروح و نزدیک به ۵۰ نفر را دستگیر نموده و به زندان ارومیه انتقال دادند. اکنون با گذشت بیش از دوهفته حکومت قصد دادگاهی کردن دستگیر شدگان را دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) این دستگیریها و پرونده سازی ها را قویا محکوم میکند. این نهاد تلاش میکند صدای کارگران معدن آق دره و بازداشت شدگان این اعتراضات در سطح جهان باشد. بازداشت شدگان آق دره باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو FTN) ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

روز دوشنبه 23 مرداد دادگستری آذربایجان غربی از صدور کیفرخواست و تشکیل پرونده برای 32 نفر از دستگیرشدگان اعتراض کارگران و مردم به اتهام "اخلال در معدن آقدره" تکاب خبر داد. مقامات قضایی حکومت در رابطه با این پرونده سازی گفته اند: "اتهامات این افراد ممانعت از فعالیت معدن، تمرد در مقابل مامورین انتظامی حین انجام وظیفه از طریق حمله و مقاومت، اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق هیاهو و جنجال و درگیری، نسبت به ماموران بوده که پرونده تشکیل و به دادگاه ارسال شده است! ماجرا از این قرار است که روز یکشنبه ۸ مرداد دهها نفر از مردم روستای آق دره در شهرستان تکاب در اعتراض به عدم استخدام نیروهای این روستا در معدن آق دره، درمقابل این معدن دست به تجمع زدند. در جریان این تجمع نیروهای سرکوبگر به مردم